




Analysis of Behavioral Public Policy studies using Scientometrics method

Mahsa Salsabil  | Ataollah Rafeie Atani  | Ali Bonyadi Naeini 

۱. PhD. Student, School of Management Economics and Progress Engineering, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran
 ۲. Associate Professor, Faculty at School of Management Economics and Progress Engineering, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran (Corresponding Author)
 ۳. Associate Professor, Faculty at School of Management Economics and Progress Engineering, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: ۱۸ March ۲۰۲۱

Revised: ۱۰ June ۲۰۲۱

Accepted: ۱۶ June ۲۰۲۱

Keywords:

Behavioral Public Policy,
 Scientometrics,
 Behavioral Science,
 VOSviewer

ABSTRACT

Objective: Public policies vary based on approaches, methods, goals, and issues. However, it can be argued that human beings and human communities are concentrated by policymakers in all these areas. Moreover, governments have mainly aimed to affect, control, and stop the bad behavior of citizens and accompanying them with public policies. They normally use new methods known as "behavioral public policies" to affect the behaviors and increase compliance with government laws and regulations in general and public policies in particular. Thus, the present paper aimed to provide a comprehensive analysis of scientific studies on "Behavioral Public Policy".

Methodology: this research responds to some related questions in this field using Scientometrics methods. The statistical population of this research includes ۳۴۲۰ scientific documents available in the Web of Science Database for ۱۹۷۳-۲۰۲۲. VOSviewer and Excel were used to analyze and draw graphs and various thematic maps.

Conclusion: In the present work, it was tried to analyze and explain the "Number and trend of published documents", "Highly studied areas", "Leading countries", "Top and busiest researchers", "Most published publications", "Organizational affiliations of scientific resources and top organizations", "Emerging countries", "The most important research areas and keywords", "Emerging areas and topics" And "The conditions of Iran"

تحلیل مطالعات سیاستگذاری مبتنی بر بینشهای رفتاری با بهره‌گیری از روش علم‌سنجی

مهسا سلسبیل^۱، عطاالله رفیعی آتانی^{۲*}، علی بنیادی نائینی^۳

چکیده

هدف: سیاست‌های عمومی، از منظر رویکردها، روش‌ها، اهداف و موضوعات، متنوع و گوناگون هستند؛ ولی میتوان ادعا کرد که در تمامی این حوزه‌ها، انسان و اجتماعات انسانی در کانون تمرکز سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد و تأثیرگذاری، کنترل و توقف رفتارهای بد شهروندان و همراه کردن ایشان با سیاستهای کلی همواره یکی از اهداف اصلی دولت‌ها بوده است. دولت‌ها از روشهای نوینی با عنوان «سیاستهای عمومی رفتاری» برای تأثیرگذاری بر رفتار و افزایش انطباق با قوانین و مقررات دولت به طور کلی و سیاست‌های عمومی به طور خاص استفاده می‌کنند...

هدف از این مقاله، ارائه یک تحلیل جامع از مطالعات علمی «سیاستهای عمومی رفتاری» و پاسخ به مجموعه‌ای از سؤالات مرتبط در این زمینه با روش علم‌سنجی است.

ضرورت: عدم وجود مطالعات داخلی و مطالعات جامع در زمینه «سیاستگذاری رفتاری» از ضرورت‌های انجام این پژوهش هست.

روش شناسی: جامعه آماری این پژوهش ۳۴۲۵ در سند علمی موجود در پایگاه **web of science** در بازه زمانی ۱۹۷۳-۲۰۲۲ است. از نرم افزار **VOSviewer** و **Excel** برای تحلیل، ترسیم نمودارها و نقشه‌های موضوعی گوناگون بهره برده شده است.

یافته‌ها: «تعداد و روند مدارک منتشر شده»، «حوزه‌های مطالعه»، «کشورهای پیشرو» و «کشورهای نوظهور»، «برترین و پرکارترین پژوهشگران»، «نشریات پرانتشار»، «وابستگی‌های سازمانی منابع علمی و سازمان‌های برتر»، «مهمترین مناطق تحقیقاتی و کلیدواژه‌ها» و «حوزه‌ها و موضوعات نوظهور» حوزه سیاستهای عمومی رفتاری و وضعیت کشور ایران در این حوزه، در این پژوهش تحلیل و تبیین شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: سیاستگذاری رفتاری، علم‌سنجی، علوم رفتاری، VOSviewer

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۰۷.....

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۱۳.....

^۱ دانشجوی دکتری، دانشکده مدیریت اقتصاد و مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران ms.salsabil2250@gmail.com

^۲ استادیار، گروه مهندسی پیشرفت اقتصادی، دانشکده مدیریت اقتصاد و مهندسی پیشرفت دانشگاه علم و صنعت ایران (نویسنده مسئول) rafieiatani@just.ac.ir

^۳ دانشیار، گروه مدیریت و مهندسی کسب و کار، دانشکده مدیریت اقتصاد و مهندسی پیشرفت دانشگاه علم و صنعت ایران، iust.ac.ir@Bonyadi

۱. مقدمه

سیاست‌های عمومی^۱، از منظر رویکردها، روش‌ها، اهداف و موضوعات، متنوع و گوناگون هستند؛ ولی می‌توان ادعا کرد که در تمامی این حوزه‌ها، «انسان و اجتماعات انسانی» در کانون تمرکز سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد. در بسیاری از این سیاست‌ها، می‌توان این پرسش را مطرح نمود که چگونه با ایجاد تغییراتی در رفتار انسان‌ها و اجتماعات، می‌توان فواید و عوایدی را نصیب افراد و کل جامعه کرد؟ (اندیشکده حکمرانی شریف، ۱۳۹۶). تأثیرگذاری و کنترل رفتارهای شهروندان و توقف رفتارهای بد همواره یکی از اهداف اصلی دولت‌ها بوده است (Kusseven & Yildiz, ۲۰۲۲، نیسی، ۱۳۹۵، ص ۲۹). دفتر کابینه^۲ انگلستان در گزارشی که با هدف جلب توجه دولت انگلستان به پیشرفت‌های علمی در الگوهای تغییر رفتار تهیه کرده است اینطور نوشته است که «تأثیرگذاری بر رفتار، محور سیاستگذاری عمومی است» (Dolan et al., ۲۰۱۵). سیاستگذاری برای تغییر رفتار شهروندان توسط دولت‌ها و حکومتها در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، محیط زیستی و... انجام می‌پذیرد (نیسی، ۱۳۹۵، ص ۱). در سیاستهای تغییر رفتار، اثرگذاری بر رفتار شهروندان هم از طریق تغییر در دستگاههای ذهنی و شناختی آنها و هم با اثرگذاری در دستگاههای نیمه آگاهانه یا ناخودآگاه آنها انجام می‌پذیرد. امروزه دولت‌ها در سیاستگذاری‌ها، بیش از پیش به سوی سیاستگذاری‌های تغییر رفتار روی آورده‌اند. از دلایل آن افزایش پذیرش اجتماعی این نوع سیاستها نسبت به سیاستهای مبتنی بر اجبار و تهدید، کاهش هزینه‌های سازماندهی و کنترل نسبت به روشهای سنتی، همگانی‌تر بودن و سریعتر بودن در دستیابی به نتایج است (نیسی، ۱۳۹۵، ص ۱). اخیراً دولت‌ها از روش‌های نوینی برای تأثیرگذاری بر رفتار و افزایش انطباق با قوانین و مقررات دولت به طور کلی و سیاست‌های عمومی به‌طور خاص استفاده می‌کنند (Halpern, ۲۰۱۵). یکی از راه‌های نو برای تأثیرگذاری و مدیریت رفتار «سیاست‌های عمومی رفتاری»^۳ یا به اختصار «تلنگر» نام دارد. «سیاستگذاری مبتنی بر علوم رفتاری» و یا «خط مشی عمومی رفتاری» نیز عباراتی هستند که در این زمینه مورد استفاده قرار می‌گیرند. به طور خلاصه، می‌توان گفت این مقوله به استفاده از علوم رفتاری مانند روانشناسی، اقتصاد، و علوم اعصاب برای تجزیه و تحلیل سیستماتیک فرآیندهای اساسی رفتار انسان برای طراحی و اجرای سیاست‌های عمومی بهتر و سازگارتر می‌پردازد (Kusseven & Yildiz, ۲۰۲۲). BPP استدلال می‌کند که علوم رفتاری باید طراحی و اعمال قوانین و سیاست‌ها را هدایت کند. به طور خاص، BPP معتقد است که هدایت رفتار تنظیم‌کننده‌ها مستلزم درک این است که افراد چگونه تصمیم می‌گیرند و چه عواملی رفتار آنها را شکل می‌دهند (تالر و سانتاین ۲۰۰۸؛ شفیر ۲۰۱۲). پایه‌های BPP در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ توسط دانیل کانمن و آموس تورسکی، که مدل نو کلاسیک رفتار انسان را به‌عنوان یک حساب عقلانی نقد کردند، گذاشته شد. تورسکی و کانمن (Kahneman & Tversky ۱۹۷۹; Tversky & Kahneman ۱۹۷۴) در مجموعه‌ای از مقالات پیشگامانه نشان دادند که مردم به طور مداوم از مدل استاندارد اقتصادی قضاوت و تصمیم‌گیری منطقی دور می‌شوند (Barak-Corren, Kariv, ۲۰۲۱). علوم رفتاری^۴ درک رو به رشدی نسبت به عواملی که رفتار را شکل میدهند، پیدا کرده است. سیاست‌های عمومی رفتاری یک علم بین رشته‌ای است که به ارتباط میان علوم رفتاری و سیاست عمومی می‌پردازد و از علوم تولید شده توسط اقتصاددانان، روانشناسان، فیلسوفان،

^۱ Public Policy

^۲ Cabinet Office

^۳ Behavioral Public Policy (BPP)

^۴ Behavioral Science

مردم‌شناسان، جامعه‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی، زیست‌شناسان تکاملی، دانشمندان حقوقی و دیگران بهره‌می‌گیرند (Cambridge University Press, ۲۰۱۷).

در حوزه سیاستگذاری متعارف در نظر گرفتن فرض انسان اقتصادی با ویژگی‌هایی چون «عقلانیت نامحدود»، «نیروی اراده نامحدود»، «نفع شخصی بی‌پایان»، «دارنده و پردازنده اطلاعات کامل» و «آزادی در انتخاب» و همچنین تنها در نظر گرفتن سیستم‌های استدلالی برای قضاوت و تصمیم‌گیری اقتصادی، مدل‌های این رویکرد را نظری و تصنعی ساخته که با واقعیت‌ها و مطالعات به دست آمده از جهان واقع کمتر تطابق دارد. در این راستا رویکرد علوم رفتاری در تحلیل‌ها و تصمیم‌های مختلف در الگوی سیاستگذاری خود قائل به هر دو سیستم شهودی و استدلالی است، یعنی افراد در تصمیم‌گیری‌ها در کنار استدلال‌ات منطقی، احساسات، تجربیات و گرایشات خود را نیز مدنظر قرار می‌دهند. همچنین این رویکرد فرضیه‌های در نظر گرفته شده برای انسان اقتصادی مدل متعارف را زیر پرسش برده و آن را با تعدیل‌های رفتاری صورت پذیرفته جایگزین می‌کند (رهبر و امیری، ۱۳۹۳). براساس علم روانشناسی شناختی، تصمیم‌های انسان به دو طریق اتخاذ می‌شود؛ سیستم شهودی و سیستم استدلالی منطقی، که به عنوان سیستم ۱ و ۲ شناخته می‌شوند. در حالی که فرآیند تصمیم‌گیری در سیستم ۱ سریع، خودکار، آسان و تحت تأثیر جمع است، سیستم ۲ آهسته، آگاهانه، بازحمت و تحت کنترل فرد است. اغلب مداخلاتی که به منظور تغییر رفتار افراد و براساس نگرش مرسوم اقتصاد صورت می‌گیرد با این فرض طرح می‌شوند که افراد از سیستم ۲ برای تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند، در حالی که مطالعات رفتاری نشان داده است اغلب تصمیم‌گیری‌ها به وسیله سیستم ۱ است و می‌توان مداخلاتی سیاستی طرح کرد که سیستم ۱ برای اصلاح رفتار هدف قرار گیرد. این نوع مداخلات اصلاح رفتار در فضای سیاست‌گذاری به تلنگر معروف شده است (محمدپورمیر، ۱۳۹۶). سیاستگذاران در رویکرد علوم رفتاری زمانی که می‌خواهند تغییری را در رفتار افراد و ترجیحات آنان ایجاد کنند به هنجارهای اجتماعی و رفتارهای دیگران توجه دارند و بررسی نقش این عوامل را دستور کار خود قرار می‌دهند (رهبر و امیری، ۱۳۹۳).

خط مشی عمومی رفتاری استفاده از بینش‌های اقتصاد رفتاری به طور خاص و علوم رفتاری به طور گسترده تر است. چندین دهه پژوهش علوم اجتماعی زیربنای این رویکرد است (Oliver, ۲۰۱۹). چندین چارچوب مفهومی رفتاری خط مشی عمومی در حال حاضر وجود دارد. برخی از این رویکردها با هدف آموزش افراد در مورد سوگیری‌های رفتاری احتمالی آنها به طوری که بتوانند تصمیمات هوشمندانه تری بگیرند (Gigerenzer, ۲۰۱۵) و برخی دیگر از مردم می‌خواهند تا در تصمیم‌گیریها مشارکت کنند. بیشتر برای خودشان فکر کنند تا خطاهای بازتابی را به حداقل برسانند. برخی از چارچوب‌ها نیز هدف خود را تحت تأثیر قرار دادن تصمیم‌گیری خودکار، بدون توسل مستقیم به بحث و بررسی و در عین حال حفظ مفهوم آزادی می‌دانند، در حالی که دیگران مقادیر زیادی از مقررات و حتی ممنوعیت‌ها را مجاز می‌دانند (Conly, ۲۰۱۳) در مجموع می‌توان گفت، چارچوب غالب در سیاست عمومی رفتاری تا به امروز، به طور پدرا نه بر درونیات متمرکز است؛ یعنی هدف آن تغییر رفتار افرادی است که به نفع خودشان هدف قرار گرفته‌اند و کاربردهای آن به عنوان «تلنگر^۱» شناخته می‌شود. برخی از پژوهشگران معتقدند که سیاستگذاری رفتاری نوعی «پدرسالاری آزادخواهانه^۲» است که در عین حفظ آزادی، تمایل دارد افراد را تغییر دهد.

این سبک از سیاستگذاری در کشورهای متعددی به خصوص در سالهای اخیر رواج پیدا کرده است. به طور مثال باراک اوباما در سال ۲۰۱۵، با صدور یک فرمان اجرایی، همه‌ی سازمان‌ها و نهادهای کشور آمریکا را ملزم به استفاده از بینش‌های علوم رفتاری برای ارائه‌ی خدمات بهتر به شهروندان آمریکا

^۱ Nudge

^۲ Libertarian Paternalism

نمود. همچنین یک تیم بینش رفتاری در کابینه‌ی دولت انگلستان تأسیس گردیده است که وظیفه‌ی آن طراحی و اجرای سیاست‌های عمومی با استفاده از علوم رفتاری و همچنین ارائه‌ی پیشنهادات به نخست وزیر و وزیر کابینه است (مدرسه حکمرانی شهید بهشتی، ۱۳۹۹). استفاده از این علوم در بسیاری از سازمان‌های جهانی نظیر یونیسف و سازمان ملل متحد، بانک جهانی، بخش حکمرانی عمومی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و همچنین در دولت‌های کشورهای متعددی از جمله کانادا، سنگاپور، استرالیا و بیش از ۵۰ کشور دنیا رواج یافته است (مدرسه حکمرانی شهید بهشتی، ۱۳۹۹). ادبیات موضوعی سیاست‌های عمومی رفتاری کمتر در کتب و مقالات علمی به چشم می‌خورد و از پیشینه علمی گسترده‌ای برخوردار نیست (نفیسی، ۱۳۹۵). لذا از کاستی‌های موجود در این حوزه کمبود متن‌های کاربردی و در عین حال علمی است (اندیشکده حکمرانی شریف، ۱۳۹۶).

پژوهش حاضر با هدف مطالعه جامع پژوهش‌های منتشر شده در حوزه «سیاست‌های عمومی رفتاری» و تحلیل روندها و گرایش‌های موضوعی این حوزه، بررسی وضعیت کشورها و حوزه‌ها و موضوعات نوظهور مورد مطالعه قرار گرفته است. این پژوهش از موتور جستجوی Web of Science برای یافتن پژوهش‌های این حوزه و نرم‌افزار VOSViewer و Excel برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، پیوندهای زیربنایی و روند تولید اطلاعات استفاده کرده است (Zahra et al., ۲۰۲۱).

۲. پیشینه پژوهش

نفیسی (نفیسی، ۱۳۹۵) کتابی را با عنوان «درآمدی بر مدیریت سیاست‌های تغییر رفتار» تدوین کرده است و در آن به چارچوب‌های کلی فرآیند سیاست‌گذاری تغییر رفتار، نظریه‌های شناخت رفتار و ابزارها و روش‌های تغییر رفتار پرداخته است. نانسی (Nancy, ۲۰۱۷) در کتاب خود با عنوان «سیاست‌گذاری برای تغییر رفتار: رویکرد بازاریابی اجتماعی» بازاریابی اجتماعی را به عنوان روشی برای تغییر رفتار شهروندان توسط دولت معرفی کرده است. سیاست‌گذاری برای تغییر رفتار شهروندان برای نشان دادن راه‌هایی طراحی شده است که در آن بازاریابی اجتماعی می‌تواند ابزاری مؤثر و کارآمد برای تغییر رفتار شهروندان و نحوه حمایت و پشتیبانی از آنها باشد. اوزدمیر (Ozdemir, ۲۰۱۹) در مقاله خود با عنوان «بینش‌های رفتاری به عنوان یک ابزار سیاست عمومی» که یک تحقیق توصیفی است به تبیین استفاده از بینش‌های رفتاری در سیاست‌های عمومی پرداخته و ملاحظات اخلاقی این حوزه را مورد بررسی قرار داده است. شیرازی (شیرازی، ۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان «سیاست‌گذاری تغییر رفتار به منظور توانمندسازی شهروندان؛ رویکردی ضروری در راستای تحقق اهداف کلان دولتی» انجام داده است. او در این پژوهش به تبیین ضرورت سیاست‌گذاری‌های تغییر رفتار به منظور مسئولیت‌پذیری و توانمندسازی شهروندان، به منظور تحقق اهداف دولت و حاکمیت پرداخته است. نفیسی (نفیسی و دیگران، ۱۴۰۰) در کتاب خود با عنوان «تلنگر برای ایران؛ مطالعات موردی سیاست‌گذاری تغییر رفتار در ایران و جهان» به بحث سیاست‌گذاری تغییر رفتار پرداخته و مثال‌های متعددی را در این زمینه آورده است. کوسون و یلدز (Kusseven & Yildiz, ۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «ظهور و توسعه واحدهای سیاست عمومی رفتاری در دولت: مورد ترکیه» انجام داده است که یک مطالعه موردی دقیق از ایجاد و توسعه واحد سیاست عمومی رفتاری/تحریک در دولت ترکیه است که در وزارت بازرگانی قرار دارد. این واحد در نتیجه یک آزمایش موفق سیاست‌گذاری از طریق انتقال دانش از تیم بینش رفتاری بریتانیا با کمک سفارت بریتانیا در آنکارا پدیدار شد. شرح مفصلی از فرآیند ایجاد، ساختار سازمانی، فعالیت‌ها و اهداف آتی این واحد با استفاده از مدل جریان‌های چندگانه جان کینگدون، بررسی ادبیات، تحلیل اسناد

رسمی و انجام مصاحبه‌های عمیق ارائه شده است. درس‌های استخراج شده از این مطالعه موردی می‌تواند برای بازیگران جامعه سیاست عمومی در کشورهای در حال توسعه مفید باشد.

۳. شکاف تحقیق و تعریف مسئله

پژوهشهای پیشین هر کدام از منظر به موضوع سیاستگذاری مبتنی بر علوم رفتاری و سیاستگذاری‌های تغییر رفتار پرداخته‌اند و مطالعه و تحلیل جامعی از تمام پژوهشهای انجام شده در این زمینه موجود نیست. مسئله این پژوهش بررسی جامع مطالعاتی است که در حوزه سیاستگذاری از علوم رفتاری و بینشهای رفتاری بهره برده‌اند.

۴. روش شناسی

این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی علم‌سنجی است (کفشدوزمحمدی و دیگران، ۱۴۰۰). علم‌سنجی^۱، علم‌سنجش و تحلیل علم است. علم‌سنجی در عمل، بیشتر با استفاده از روش‌های کتاب‌سنجی انجام می‌شود و مبتنی بر تحلیل استادی است. انتشار مداوم شاخص‌های علم‌سنجی که توصیف‌کننده پژوهش در اجتماعات مختلف علمی است عنصری مفید و کارآمد برای مدیریت تحقیق و سیاستگذاری و چگونگی تخصیص بودجه و امکانات در علوم است. این کار موجب افزایش کارایی تحقیقات می‌شود. علم‌سنجی را می‌توان از عوامل مؤثر گردش مستمر فعالیت‌های تحقیقاتی در هر زمینه علمی دانست که مستقیماً با ارزشیابی کمی علم سروکار دارد. اساس کار علم‌سنجی بر بررسی چهار متغیر اساسی شامل مؤلفان، انتشارات علمی، مراجع و ارجاعات می‌باشد. علم‌سنجی بر آن است با استفاده از بررسی جداگانه این متغیرها با ترکیبی مناسب از شاخص‌های مبتنی بر این متغیرها خصایص علم و پژوهش علمی را نمایان سازد.

۵. چارچوب پژوهش

شکل ۱ چارچوب پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل (۱) - چارچوب پژوهش

مرحله اول شامل شناسایی سوالات و تعریف نیازهای مدنظر است. در طراحی سوالات، مهمترین موضوعات مدنظر قرار گرفته و به عنوان سوال مطرح شده‌اند. این رویکرد منجر به تدوین مجموعه‌ای از سوالات تحقیق برای هدایت تجزیه و تحلیل نتایج میشود. سوالات این پژوهش عبارتند از:

۱. وضعیت بهره‌گیری از علوم رفتاری در سیاستگذاری عمومی در سالهای اخیر چگونه بوده است؟
۲. سیاستگذاری رفتاری در چه حوزه‌هایی مورد استفاده قرار گرفته است و وضعیت توزیع فراوانی هر کدام به چه صورت است؟

^۱ Scientometrics

۳. کشورهای پیشرو و نوظهور در بهره‌گیری از سیاستگذاری مبتنی بر علوم رفتاری کدامند و جایگاه ایران به چه صورت است؟ برترین همکاری میان کشورها در تولیدات علمی به چه صورت است؟
۴. پراستادترین نشریاتی که مفهوم سیاستگذاری رفتاری را برای انتشار در نظر گرفته‌اند کدامند؟
۵. کدامیک از پژوهشگران دارای بیشترین مقاله در زمینه سیاستگذاری رفتاری هستند؟
۶. وابستگی‌های سازمانی منابع علمی منتشر شده، کدامند؟
۷. مهمترین مناطق تحقیقاتی و مهمترین کلیدواژه‌ها کدامند؟ نقشه هم‌رخدادی واژگان به چه شکل است؟ حوزه‌های نوظهور مطالعاتی کدامند؟

در **مرحله دوم**، اسناد مربوطه شناسایی و انتخاب شده‌اند. اسناد این مطالعه از روی پایگاه وب آو ساینس انتخاب شده است که معتبرترین، مهمترین و گسترده‌ترین پایگاه داده کتاب‌شناختی در زمینه‌های مرتبط با علوم اجتماعی است. جامعه آماری این تحقیق تمام اطلاعات نمایه شده در پایگاه اطلاعاتی Web of Science بدون در نظر گرفتن محدودیت زمانی بوده است که با توجه به یافته‌های این پایگاه، اولین سند علمی در سال ۱۹۷۳ منتشر شده است و لذا بازه زمانی را میتوان از سال ۱۹۷۳-۲۰۲۲ در نظر گرفت. تاریخ جستجو در روز ۱۷ فروردین ۱۴۰۱ معادل ۷ آوریل ۲۰۲۲ بوده است. عبارت جستجو «behavioral public policy» در قسمت topic بوده است که ۳۴۲۵ سند علمی در این حوزه موضوعی یافت شد.

در **مرحله سوم**، اسناد جمع‌آوری شده غربال شده و داده‌های مربوطه در قالب فرمت Tab-Delimited (win) از پایگاه وب آو ساینس درآوردند و به عنوان ورودی نرم افزار Vosviewer قرار گرفتند.

در **مرحله چهارم**، با استفاده از الگوریتم‌های موجود در نرم‌افزار، خروجیهای مختلف در قالب نمودارهای گرافیکی و جداول از قسمت آنالیز پایگاه وب آو ساینس و نرم افزار Vosviewer و Excel استخراج شدند. داده‌های علم‌سنجی با استفاده از روشهای آمار توصیفی و با بهره‌گیری از اندازه‌های میانگین مرکزی برآورد گردیده است. داده‌های یاد شده به کمک تکنیک نقشه‌برداری ترسیم گردیده و سپس تحلیلهای مورد نظر از داده‌ها استخراج شده است.

در **مرحله پنجم**، یافته‌های پژوهش مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند.

۶. یافته‌های پژوهش و تحلیل یافته‌ها

۶.۱. وضعیت بهره‌گیری از علوم رفتاری در سیاستگذاری عمومی در سالهای اخیر چگونه بوده است؟

نمودار ۱ تعداد و روند مدارک منتشر شده در حوزه سیاستگذاری رفتاری را در بازه ۱۹۷۳-۲۰۲۲ نشان می‌دهد. این حوزه در سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰ چندان مورد توجه قرار نگرفته است و در هر سال ۱ یا ۲ مقاله در این حوزه به چاپ رسیده است؛ به گونه‌ای که در نمودار معادل عدد صفر در نظر گرفته می‌شود و لذا نویسنده از درج این قسمت صرف‌نظر کرده است. از سال ۱۹۹۱-۲۰۱۳ بهره‌گیری از علوم رفتاری در حوزه سیاستگذاری به مرور مورد توجه قرار گرفته و رشد داشته است. سال ۲۰۱۴ و به خصوص سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ را می‌توان دوره جهش و دوره توجه ویژه محققین و دانشمندان به این حوزه دانست. همانطور که نمودار نشان می‌دهد سیاستگذاری رفتاری در چند سال اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته و رشد قابل توجهی را در حوزه تولیدات علمی داشته است و جزو حوزه‌های پیش‌رو در حوزه سیاستگذاری در آینده است.

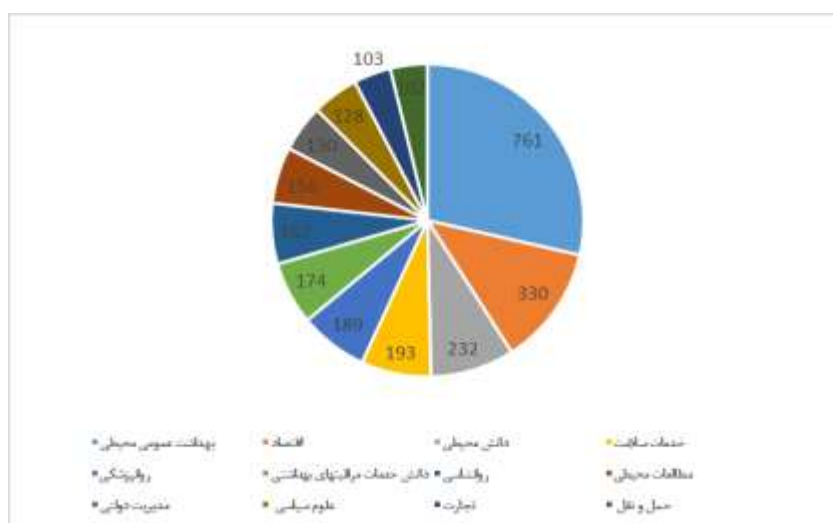
تحلیل مطالعات سیاستگذاری مبتنی بر بینشهای رفتاری با بهره‌گیری از روش علم‌سنجی



نمودار (۱) - تعداد مقالات منتشر شده از سال ۱۹۷۳-۲۰۲۲

۶.۲. سیاستگذاری رفتاری در چه حوزه‌هایی مورد استفاده قرار گرفته است و وضعیت توزیع فراوانی هر کدام به چه صورت است؟

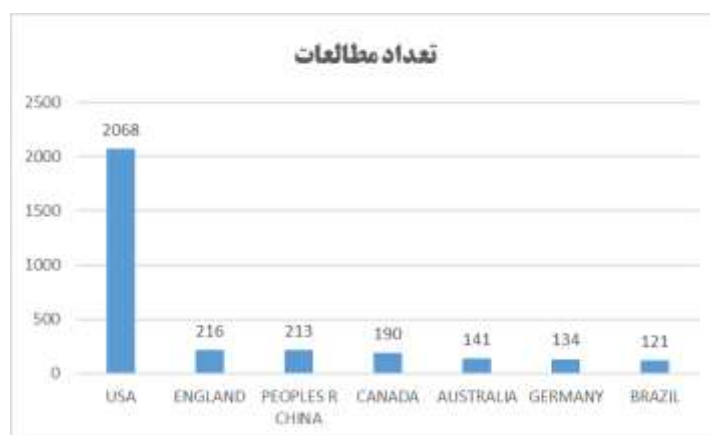
سیاستگذاری رفتاری در ۱۸۰ حوزه موضوعی مورد مطالعه قرار گرفته است که پرکاربردترین حوزه‌های مطالعاتی در نمودار ۲ نشان داده شده‌اند. «بهداشت عمومی محیطی» با ۷۶۱ مدرک علمی، «اقتصاد» با ۳۳۰ مدرک، «دانش محیطی» با ۲۳۲ مدرک، «خدمات حوزه سلامت» با ۱۹۳ مدرک، «روانپزشکی» با ۱۸۹ مدرک، «دانش خدمات مراقبتهای بهداشتی» با ۱۷۴ مدرک، «روانشناسی» با ۱۶۷ مدرک، «مطالعات محیطی» با ۱۵۶ مدرک، «مدیریت دولتی» با ۱۳۰ مدرک، علوم سیاسی با ۱۳۸ مدرک، تجارت با ۱۰۳ مدرک و حمل و نقل با ۱۰۲ مدرک پر مطالعه‌ترین حوزه‌های سیاستگذاری رفتاری بوده‌اند.



نمودار (۲) - حوزه‌های موضوعی در سیاستگذاری رفتاری

۱.۳. کشورهای پیشرو و نوظهور در بهره‌گیری از سیاستگذاری مبتنی بر علوم رفتاری کدامند و جایگاه ایران به چه صورت است؟ برترین همکاری میان کشورها در تولیدات علمی به چه صورت است؟

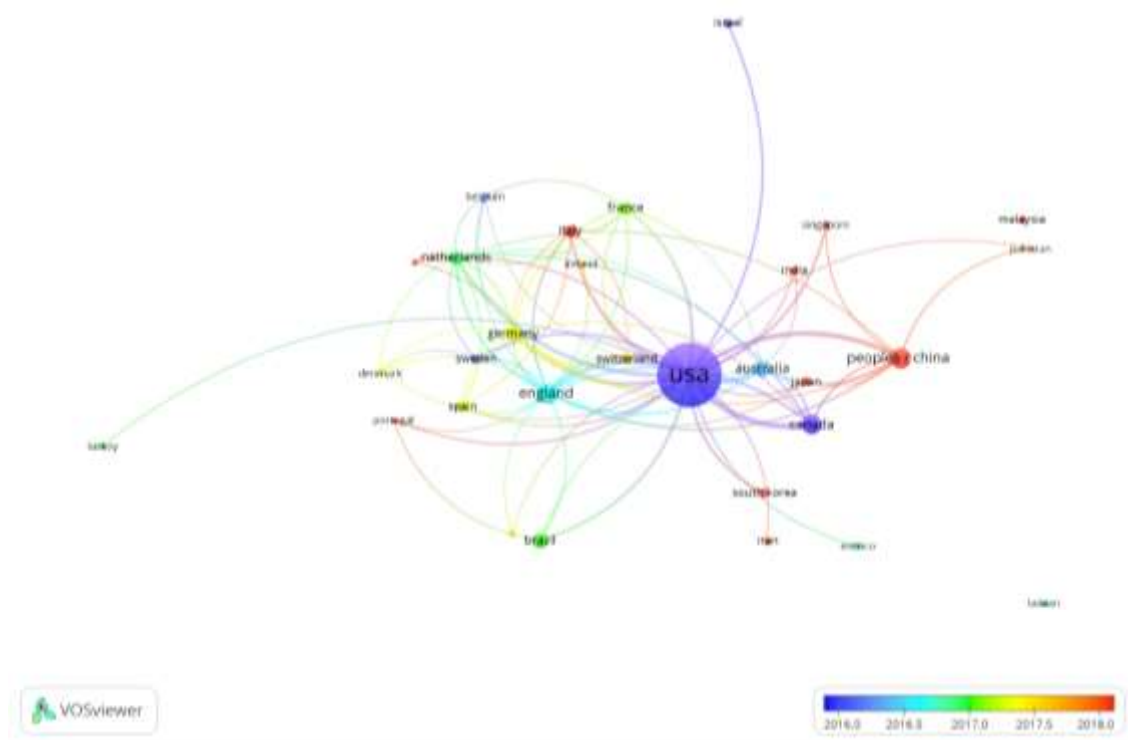
در مجموع ۱۱۹ کشور مدارک و مطالعات علمی در حوزه سیاستگذاری رفتاری داشته‌اند که کشور «آمریکا» با ۲۰۶۸ مدرک کشور پیشرو در حوزه مطالعات «سیاستگذاری رفتاری» است، کشور «انگستان» با ۲۱۶ مدرک دارای رتبه دوم، کشور «چین» با ۲۱۳ مدرک دارای رتبه سوم، «کانادا» با ۱۹۰ مدرک، کشور «استرالیا» با ۱۴۱ مدرک، کشور آلمان با ۱۳۱ مدرک و کشور «برزیل» با ۱۲۱ مدرک علمی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. کشور ایران با دارا بودن ۳۵ مدرک علمی رتبه هجدهم را در بین کشورها دارا است که دارای سهم ۱,۲۰٪ از مطالعات جهانی است.



نمودار (۱) - تعداد مطالعات انجام شده در حوزه سیاستگذاری رفتاری در کشورهای مختلف

در شکل ۲ نحوه همکاری کشورها در تولیدات علمی نشان داده شده است. در میان کشورهای نمایش داده شده به ترتیب، «آمریکا-کانادا»، «آمریکا-انگستان» و «آمریکا-چین» دارای بیشترین همکاری بوده‌اند. کشور ایران نیز در برخی از تولیدات علمی خود با کشور «آمریکا» همکاری داشته است. «مالزی»، «پاکستان»، «چین»، «سنگاپور»، «هند»، «ایران»، «ژاپن»، «کره جنوبی»، «ایتالیا» و «پرتغال» جزو کشورهای نوظهور در حوزه سیاستگذاری رفتاری هستند و از سال ۲۰۱۸ به بعد به این حوزه ورود کرده‌اند. کشور چین در عین نوظهور بودن دارای تولیدات علمی قابل توجهی در بازه ۲۰۱۸-۲۰۲۲ بوده است.

تحلیل مطالعات سیاستگذاری مبتنی بر بینشهای رفتاری با بهره‌گیری از روش علم‌سنجی



شکل (۲) - نحوه همکاری کشورها در تولیدات مدارک علمی

۶.۴. پر استنادترین نشریاتی که مفهوم سیاستگذاری رفتاری را برای انتشار در نظر گرفته‌اند کدامند؟

در جدول ۱، نشریاتی که دارای بیشترین مقاله انتشار یافته در حوزه «سیاستگذاری رفتاری» هستند نشان داده شده است. در بین همه نشریات موجود در این حوزه، ۱۲ نشریه زیر دارای بیشترین مقالات در این حوزه بوده‌اند.

جدول (۱) - نشریات برتر حوزه سیاستگذاری رفتاری

عنوان نشریه	تعداد مقاله	% از کل مقالات
INTERNATIONAL JOURNAL OF ENVIRONMENTAL RESEARCH AND PUBLIC HEALTH	۵۲	۱,۶۴۷
SUSTAINABILITY	۴۵	۱,۴۲۵
PLOS ONE	۴۱	۱,۲۹۸
BMC PUBLIC HEALTH	۳۸	۱,۲۰۳
AMERICAN JOURNAL OF PUBLIC HEALTH	۳۷	۱,۱۷۲
AMERICAN PSYCHOLOGIST	۳۳	۱,۰۴۵
TRANSLATIONAL BEHAVIORAL MEDICINE	۳۲	۱,۰۱۳
AMERICAN JOURNAL OF PREVENTIVE MEDICINE	۳۱	۰,۹۸۲

عنوان نشریه	تعداد مقاله	٪ از کل مقالات
SOCIAL SCIENCE MEDICINE PUBLIC ADMINISTRATION REVIEW	۲۶	۰,۸۲۳
PSYCHIATRIC SERVICES	۲۳	۰,۷۲۸
JOURNAL OF PUBLIC HEALTH MANAGEMENT AND PRACTICE	۲۲	۰,۶۹۷
TRANSPORTATION RESEARCH PART A POLICY AND PRACTICE	۲۱	۰,۶۶۵

۶.۵. وابستگی‌های سازمانی منابع علمی منتشر شده، کدامند؟

در جدول ۲ وابستگی‌های سازمانی منابع علمی منتشر شده در حوزه «سیاستگذاری رفتاری» نشان داده شده است. این سازمانها و دانشگاه‌ها دارای بیشترین منابع علمی در حوزه سیاستگذاری رفتاری هستند. ۱۹ سازمان و دانشگاه زیر دارای بیش از ۵۰ منبع علمی در حوزه «سیاستگذاری رفتاری» بوده‌اند. دانشگاه‌های به نام و معتبر دنیا از جمله دانشگاه هاروارد، دانشگاه کالیفرنیا، دانشگاه جان هافکینز، دانشگاه لندن، دانشگاه میشیگان، دانشگاه واشنگتن در این لیست وجود دارند.

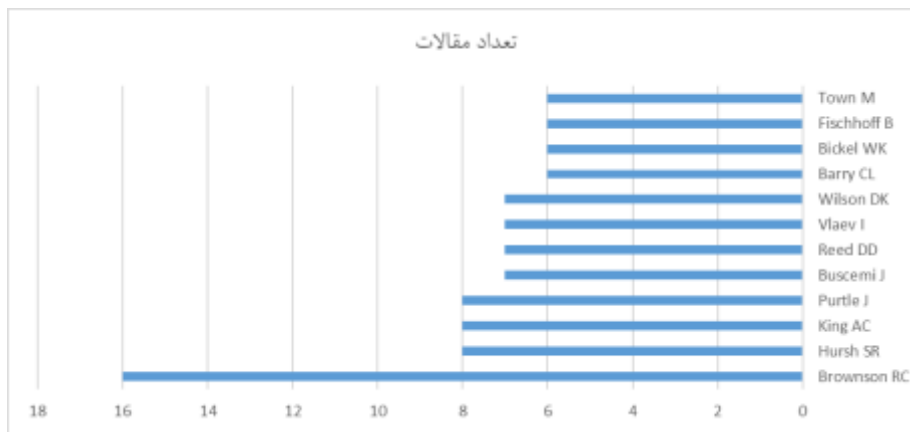
جدول (۲) - سازمانهای برتر در حوزه سیاستگذاری رفتاری

نام سازمان	تعداد منابع علمی حمایت شده	٪ از کل
UNIVERSITY OF CALIFORNIA SYSTEM	۲۳۳	۷,۰۶۱
LEAGUE OF EUROPEAN RESEARCH UNIVERSITIES LERU	۱۲۸	۴,۰۵۳
HARVARD UNIVERSITY	۱۲۱	۳,۸۳۲
JOHNS HOPKINS UNIVERSITY	۸۵	۲,۶۹۲
CENTERS FOR DISEASE CONTROL PREVENTION USA	۷۸	۲,۴۷۰
PENNSYLVANIA COMMONWEALTH SYSTEM OF HIGHER EDUCATION PCSHE	۷۷	۲,۴۳۸
UNIVERSITY OF LONDON	۷۶	۲,۴۰۷
UNIVERSITY OF MICHIGAN	۷۲	۲,۲۸۰
UNIVERSITY OF MICHIGAN SYSTEM	۷۲	۲,۲۸۰
UNIVERSITY OF NORTH CAROLINA	۷۰	۲,۲۱۷
COLUMBIA UNIVERSITY	۶۹	۲,۱۸۵
STATE UNIVERSITY SYSTEM OF FLORIDA	۶۹	۲,۱۸۵
UNIVERSITY OF ILLINOIS SYSTEM	۶۵	۲,۰۸۵
UNIVERSITY OF TEXAS SYSTEM	۶۵	۲,۰۵۸

نام سازمان	تعداد منابع علمی حمایت شده	% از کل
UNIVERSITY OF CALIFORNIA LOS ANGELES	۶۲	۱,۹۶۳
NATIONAL INSTITUTES OF HEALTH NIH USA	۵۹	۱,۸۶۸
UNIVERSITY OF WASHINGTON	۵۷	۱,۸۰۵
NEW YORK UNIVERSITY	۵۴	۱,۷۱۰
UNIVERSITY OF WASHINGTON SEATTLE	۵۳	۱,۶۸۷
YALE UNIVERSITY	۵۳	۱,۶۸۷

۶.۶. کدامیک از پژوهشگران دارای بیشترین مقاله در زمینه سیاستگذاری رفتاری هستند؟

در نمودار ۴ برترین پژوهشگران دارای بیشترین مقاله در حوزه سیاستگذاری رفتاری نشان داده شده است. بر اساس این نمودار ۱۲ نویسنده دارای بیش از ۶ مقاله در این حوزه هستند که برانسون آر سی^۱ با ۱۶ مقاله ۰.۵۰۷٪ از مطالعات سیاستگذاری رفتاری را به خود اختصاص داده است.



نمودار (۲) - نویسندگانی که دارای بیشترین مقالات در زمینه سیاستگذاری رفتاری هستند

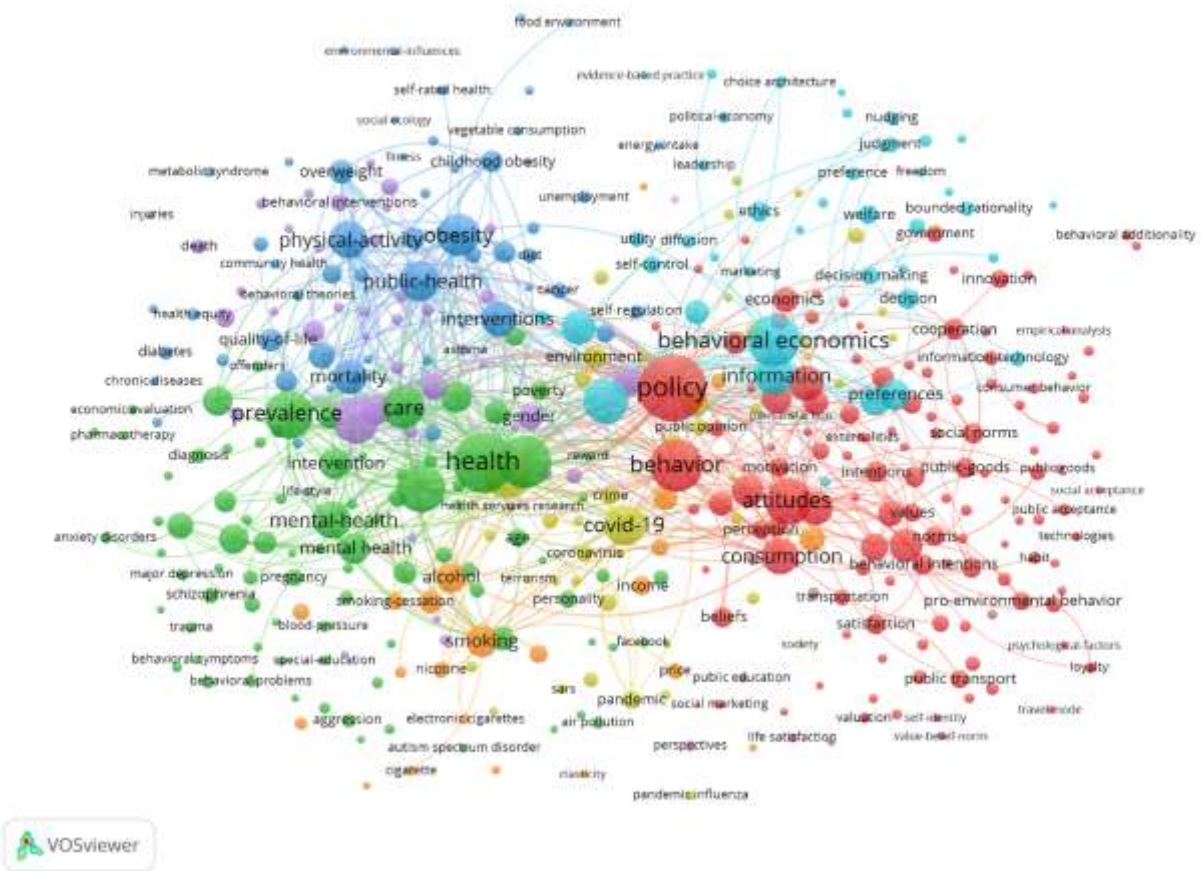
۶.۷. مهمترین مناطق تحقیقاتی و مهمترین کلیدواژه‌ها کدامند؟ نقشه هم‌رخدادی واژگان به چه شکل است؟ حوزه‌های نوظهور مطالعاتی کدامند؟

در شکل ۳ گره‌هایی که دارای مرکزیت و تراکم بیشتری هستند، به صورت دایره‌های بزرگتر نشان داده شده‌اند. رنگها نشان‌دهنده خوشه‌های موضوعی و اندازه و بزرگی دایره‌ها، نشان‌دهنده وزن آن مفهوم یا به عبارت دیگر، تعداد تکرار یا هم‌رخدادی آن موضوع است. در انجام تجزیه و تحلیل کلمات نشان داده شده، الگوهای خاصی از خوشه‌بندی^۲ بین مقالات علمی انجام در جریان فعلی شناسایی می‌شود. با انجام آنالیز محتوای معنایی، می‌توان مشاهده کرد

^۱ Brownson RC

^۲ Clustering

که مضامین در هر یک از این خوشه‌ها به چه میزان رواج دارند. در داخل محتوای مقالات، اشکال خاصی از خوشه‌بندی مخصوصاً حول کلمات کلیدی غالب مشاهده می‌شود که در درون آنها برخی از وابستگیهای معنایی وجود دارد (Nguyen, ۲۰۱۹). مطالعات سیاستهای عمومی رفتاری را میتوان در ۷ خوشه، جا داد.

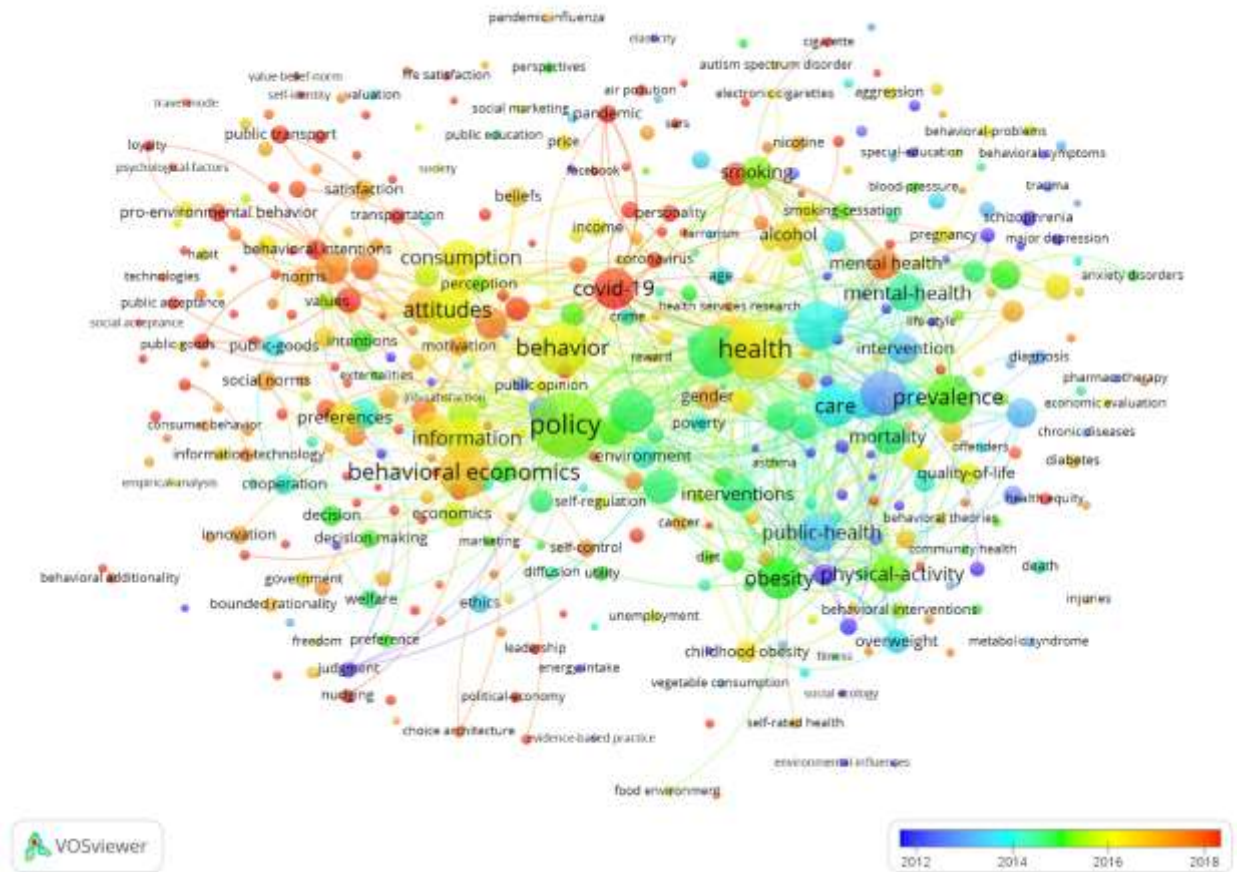


شکل (۳) - نقشه هم‌رخدادی واژگان در حوزه سیاستگذاری رفتاری

در شکل ۴ هم‌واژگانی کلمات در سالهای متعدد نشان داده است. موضوعاتی که در سالهای اخیر (بعد از سال ۲۰۱۸) مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و جزو حوزه‌های نوظهور محسوب میشوند. «پاندمی کووید-۱۹»، «رفاه»، «رضایت از زندگی»، «رفتار مصرف‌کننده»، «هنجارها»، «کالاهای عمومی»، «رهبری»،

تحلیل مطالعات سیاستگذاری مبتنی بر بینشهای رفتاری با بهره‌گیری از روش علم‌سنجی

«اقتصاد سیاسی»، «معماری انتخاب^۱»، «مصرف آب»، «عدالت» و «انرژیهای تجدیدپذیر»، «علوم رفتاری» و «بخش‌بندی^۲» جزو حوزه‌های نوظهور مطالعاتی هستند. بخش‌بندی جامعه هدف مورد نظر برای ایجاد تغییر، یکی از گامهای اساسی در حوزه سیاستگذاری رفتاری است. با بخش‌بندی تفاوت‌های اصلی در جمعیت، در زمینه انگیزه و موانع تغییر مشخص می‌شود و رویکردهای متفاوت تغییر نسبت به گروههای مختلف مشخص می‌شود (نفیسی، ۱۳۹۵)



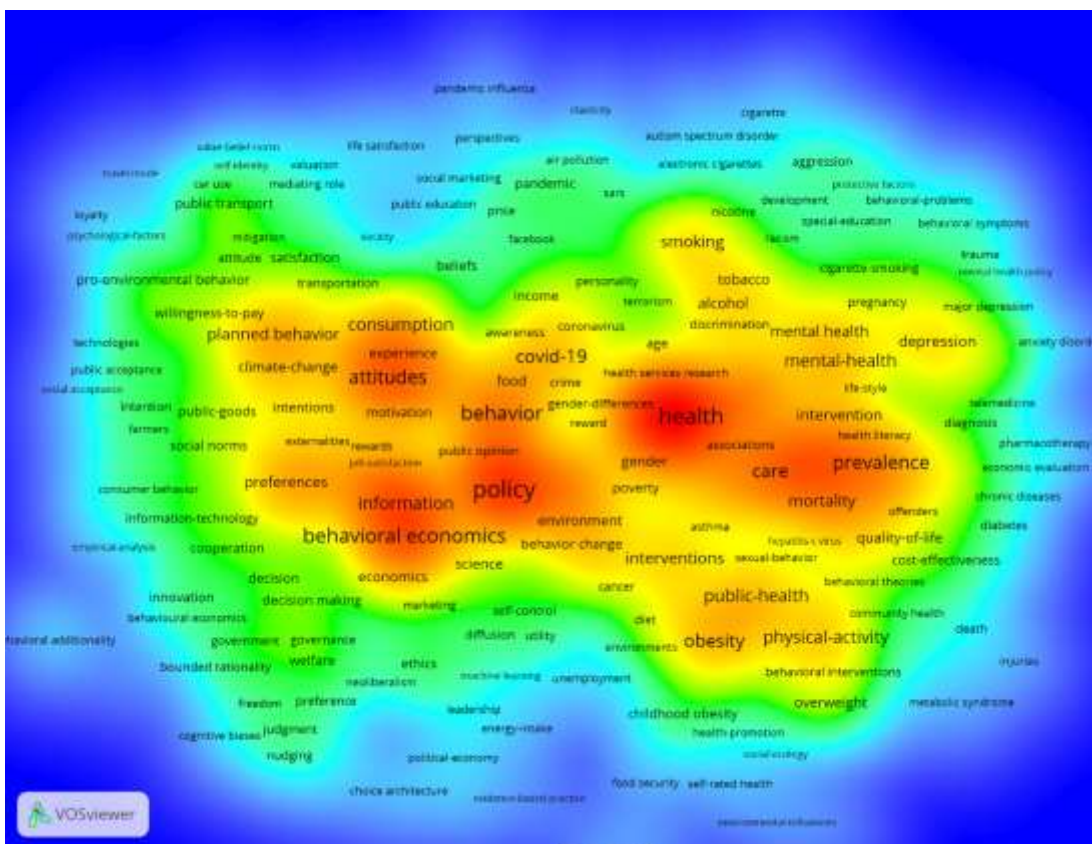
شکل (۴) - حوزه‌ها و واژه‌های نوظهور در حوزه سیاستگذاری رفتاری

در شکل ۵، بیشترین میزان توجه به واژگان با رنگ قرمز نشان داده شده است. مفاهیم «سیاست»، «اقتصاد رفتاری»، «سلامت»، «اطلاعات» و «نگرش» دارای بیشترین توجه در این حوزه است و در نتیجه در ناحیه قرمز قرار دارد. از طرفی واژگانی همچون «مصرف»، «فقر»، «جرم»، «اقتصاد»، «ترجیحات»، «قصد»، «انگیزه»، «تجربه»، «تغییر رفتار»، «جایزه و پاداش»، «تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده»، «جنسیت»، «تفاوت‌های جنسیتی» و برخی مسائل حوزه سلامت مانند «سلامت روانی»، «بارداری»، «افسردگی» چون در ناحیه زرد و نارنجی هستند دارای میزان توجه نسبتاً بالایی هستند. هر چه نمودار به سمت رنگ آبی

^۱ Choice Architecture

^۲ Segmentation

حرکت می کند، چگالی و تراکم استفاده از کلمات کمتر میشود که این مسئله لزوماً به معنای اهمیت کم این حوزه‌ها نیست. همانطور که در شکل ۴ توضیح داده شد برخی از این حوزه‌ها نوظهور هستند و لذا به همین دلیل تراکم و چگالی آنها کمتر است. همچنین دوری و نزدیکی لغات نیز در این شکل دارای معنی و مفهوم می باشد. به این صورت که مثلاً اگر فاصله دو واژه نسبتاً کم باشد در نتیجه می توان بیان کرد که این ۲ واژه در مدارک زیادی با هم به کار رفته اند. همچنین اگر فاصله دو واژه از هم زیاد باشد به این معنی است که در مدارک کمی این دو واژه با یکدیگر به کار رفته اند. نگرش‌های شهروندان در وهله اول و ترجیحات و انگیزش شهروندان در وهله بعدی از موضوعات بسیار پر مطالعه و مورد توجه در زمینه سیاستهای عمومی رفتاری بوده اند. موضوع سلامت هم به عنوان داغترین موضوع در حوزه سیاستگذاری تغییر رفتار بوده اند.



شکل (۵)- وضعیت تراکم (چگالی) و پراکنندگی واژگان شبکه همواژگانی در حوزه سیاستگذاری رفتاری

۷. تحلیل یافته ها

بخشهای عمومی در ایجاد نتایج سیاستی با چالشهای مهمی روبه رو هستند و سیاستگذاران با این مساله روبه رو هستند که آیا هزینه رویکردهای سیاستگذاری مبتنی بر مقررات و ساختارهای تشخیص و اجبار، به اندازه کافی ارزشهای اجتماعی ایجاد کرده و موثر بوده اند یا نه؟ تجربه سایر کشورها نشان می دهد

^۱ Attitude

تحلیل مطالعات سیاستگذاری مبتنی بر بینشهای رفتاری با بهره‌گیری از روش علم‌سنجی

رویکردهای رفتاری در شمار قوی‌ترین و کاراترین ابزارهای موجود در حوزه سیاستگذاری است و برای استفاده کارآمد از آنها باید شهروندان و محرکهای رفتاری آنها را به خوبی درک کرد (نفیسی، ۱۳۹۵). از رویکردهای رفتاری میتوان در کنار اهرمهای سیاستگذاری بهره برد تا با روشهای کم‌هزینه و موثر بتواند بر تصمیم‌گیرهای افراد اثر گذاشته و نتایج اجتماعی مثبت ایجاد کند. در واقع این رویکرد، مکمل رویکردهای سنتی سیاستگذاری است. در سالهای اخیر بسیاری از دولتها، دانشگاهها و ادارات، تحقیقات رفتاری را آغاز کرده‌اند. تجربه‌های بشری نشان میدهد علی‌رغم اینکه حکومت یکی از عوامل موثر بر رفتارهای شهروندان است، میتواند نقشی به سزا در تغییرات اجتماعی ایجاد کند (نفیسی، ۱۴۰۰).

نتایج پژوهشها نشان میدهد که بهره‌گیری از بینشهای رفتاری در حوزه‌های سیاستگذاری جزو رویکردهای نو و رو به پیشرفت در کشورهای پیشرفته جهان است که مطالعات تحقیقاتی آن به سرعت رو به رشد است. علاوه بر مطالعات تحقیقاتی، برخی کشورها تحقیقات را به حوزه‌های عملیاتی گره زده و موفقیت‌های خوبی را در این زمینه کسب کرده‌اند؛ مانند کمپین Think در کشور انگلستان که به جهت تصادفات جاده‌ای ایجاد شد و توانست نرخ وقوع تصادفات را با بهره‌گیری از بینشهای رفتاری، تا ۴۹ درصد کاهش دهد که جزو موفقیت‌های چشمگیر دولت به شمار می‌آید (نفیسی، ۱۴۰۰).

بخش‌بندی^۱ و گروه‌بندی اجتماعات انسانی یکی از موضوعات مهم، کلیدی و موثر در طراحی سیاست‌های عمومی مبتنی بر بینشهای رفتاری هستند که در سالهای اخیر در حوزه‌های مطالعاتی به خوبی مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد به این موضوع توجه دارد که انگیزه، اهداف و سایر مشخصه‌های جمعیتی و رفتاری برای همه گروهها یکسان نیست و باید اجتماعات بر اساس مولفه‌های کلیدی، بخش‌بندی شده و رویکرد مناسب مداخله برای تغییر، متناسب با شرایط هر گروه طراحی شود. این رویکرد اثربخشی سیاست‌های عمومی را به طور قابل توجهی افزایش میدهد.

دانشگاه‌های معتبر، ژورنالها و مجلات علمی معتبر و بسیاری از نهادهای دولتی و غیردولتی سرمایه انسانی، اجتماعی و مالی خوبی را در زمینه سیاستگذاری رفتاری به کار گرفته و مطالعات علمی و تحقیقاتی میدهند که نتایج آن در قالب‌های متعدد در حال انتشار است. عمده مطالعات بیشتر به طراحی سیاست‌های عمومی در حوزه سلامت و بهداشت اجتماعی پرداخته‌اند و این موضوع، پیشرو است. حوزه‌های دیگر در ابتدای راه هستند و مطالعات اولیه در آن بخشها نیز شروع شده است. آنچه در قسمت داده‌ها بسیار قابل توجه است این است که این رویکرد علمی هنوز در مطالعات تحقیقاتی اندیشمندان، دانشمندان و نخبگان ایرانی مورد توجه قرار نگرفته است و حتی در حوزه مطالعاتی هم داده‌چندانی مشاهده نمیشود. این در حالی است که ورود بینشهای رفتاری به حوزه سیاستگذاری و تغییر رفتار شهروندان، میتواند اثرات به‌سزایی را در نتیجه‌بخشی به طراحی سیاست‌های عمومی داشته باشد.

۸. نتیجه‌گیری

سیاست‌های عمومی^۲، از منظر رویکردها، روش‌ها، اهداف و موضوعات، متنوع و گوناگون هستند؛ ولی میتوان ادعا کرد که در تمامی این حوزه‌ها، انسان و اجتماعات انسانی در کانون تمرکز سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد. تأثیرگذاری و کنترل رفتارهای شهروندان و توقف رفتارهای بد، همواره جزو علایق و وظایف دولتها بوده است. اخیراً دولتها از روش‌های ظریف‌تری برای تأثیرگذاری بر رفتار و افزایش انطباق با قوانین و مقررات دولت به‌طور کلی و سیاست‌های عمومی به‌طور خاص استفاده می‌کنند. یکی از راه‌های ظریف برای تأثیرگذاری و مدیریت رفتار «سیاست‌های عمومی رفتاری^۳» یا به اختصار «تلنگر» نام دارد. «سیاستگذاری مبتنی بر علوم رفتاری» و یا «خط مشی عمومی رفتاری» نیز عباراتی هستند که در این زمینه مورد استفاده قرار می‌گیرند. به

^۱ Segmentation

^۲ Public Policy

^۳ Behavioral Public Policy (BPP)

طور خلاصه، میتوان گفت این مقوله به استفاده از علوم رفتاری مانند روانشناسی، اقتصاد، و علوم اعصاب برای تجزیه و تحلیل سیستماتیک فرآیندهای اساسی رفتار انسان برای طراحی و اجرای سیاست های عمومی بهتر و سازگارتری پردازد. استفاده از این علوم در بسیاری از سازمان های جهانی نظیر یونیسف و سازمان ملل متحد، بانک جهانی، بخش حکمرانی عمومی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و همچنین در دولت های کشورهای متعددی از جمله آمریکا، انگلستان، کانادا، سنگاپور، استرالیا رواج یافته است (مدرسه حکمرانی شهید بهشتی، ۱۳۹۹). ادبیات موضوعی سیاستگذاری رفتاری کمتر در کتب و مقالات علمی به چشم میخورد و از پیشینه علمی گسترده ای برخوردار نیست (نفیسی، ۱۳۹۵) و از کاستی های موجود در این حوزه کمبود متن های کاربردی و در عین حال علمی است (اندیشکده حکمرانی شریف، ۱۳۹۶). لذا در این پژوهش، با بهره گیری از ادبیات علم سنجی و نرم افزارهای VOSviewer و Excel یک تحلیل و بررسی جامع بر روی همه مطالعات حوزه «سیاستگذاری رفتاری» انجام شده است. نتایج نشان میدهد. این حوزه در سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰ چندان مورد توجه قرار نگرفته است و در هر سال ۱ یا ۲ مقاله در این حوزه به چاپ رسیده است. از سال ۱۹۹۱-۲۰۱۳ بهره گیری از علوم رفتاری در حوزه سیاستگذاری به مرور مورد توجه قرار گرفته و رشد داشته است. سال ۲۰۱۴ و به خصوص سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ را می توان دوره جهش و دوره توجه ویژه کشورها، محققین و دانشمندان به این حوزه دانست. «بهداشت عمومی محیطی»، «اقتصاد»، «دانش محیطی»، «خدمات حوزه سلامت»، «روانپزشکی»، «دانش خدمات مراقبتهای بهداشتی»، «روانشناسی»، «مطالعات محیطی»، «مدیریت دولتی»، «علوم سیاسی»، «تجارت» و «حمل و نقل» پر مطالعه ترین حوزه های سیاستگذاری رفتاری بوده اند. «آمریکا»، «انگستان»، «چین»، «کانادا»، «استرالیا»، «آلمان» و «برزیل» به ترتیب بیشترین تولیدات مدارک علمی را در این حوزه داشته اند که به ترتیب، «آمریکا-کانادا»، «آمریکا-انگستان» و «آمریکا-چین» دارای بیشترین همکاری بوده اند. دانشگاه های به نام و معتبر دنیا از جمله دانشگاه هاروارد، دانشگاه کالیفرنیا، دانشگاه جان هافکینز، دانشگاه لندن، دانشگاه میشیگان، دانشگاه واشنگتن جزو سازمانهای فعال در حمایت و تولید منابع علمی حوزه «سیاستگذاری رفتاری» هستند. «پاندمی کووید-۱۹»، «رفاه»، «رضایت از زندگی»، «رفتار مصرف کننده»، «هنجارها»، «کالاهای عمومی»، «رهبری»، «اقتصاد سیاسی»، «معماری انتخاب^۱»، «مصرف آب»، «عدالت» و «انرژیهای تجدیدپذیر»، «علوم رفتاری» و «بخش بندی^۲» جزو حوزه های نوظهور مطالعاتی هستند. مفاهیم «سیاست/خط مشی»، «اقتصاد رفتاری»، «سلامت»، «اطلاعات» و «نگرش» دارای بیشترین توجه در این حوزه است و اصطلاحا مفاهیم داغ این حوزه هستند. از طرفی واژگانی همچون «مصرف»، «فقر»، «جرم»، «اقتصاد»، «ترجیحات»، «قصد»، «انگیزه»، «تجربه»، «تغییر رفتار»، «جایزه و پاداش»، «تئوری رفتار برنامه ریزی شده»، «جنسیت»، «تفاوت های جنسیتی» و برخی مسائل حوزه سلامت مانند «سلامت روانی»، «بارداری»، «افسردگی» دارای میزان توجه بالایی در مطالعات بوده اند.

همانطور که نتایج پژوهش نشان میدهد، بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا مانند آمریکا، کانادا و چین در حوزه های مختلف سیاستگذاری، از علوم رفتاری بهره گرفته اند و به تبع آن موفقیت های خوبی را در حوزه کنترل و اصلاح رفتار شهروندان و همراهی با سیاست های کلان کشور به دست آورده اند. در کشور ایران، بهره گیری از علوم رفتاری در حوزه سیاستگذاری عمومی هنوز چندان مرسوم نیست و مطالعات علمی چندان در این زمینه انجام نشده است. این پژوهش یک بررسی از روند سیاست های عمومی رفتاری را در کل دنیا ارائه داده است. امید می رود که طراحان خط مشی و سیاستگذاران ایرانی با بهره گیری از دانش ارائه شده در این پژوهش به بهبود فرآیند سیاستگذاری در ایران پردازند.

^۱ Choice Architecture

^۲ Segmentation

۹. پیشنهادات کاربردی

بهره‌گیری از علوم رفتاری و بینشهای رفتاری در حوزه سیاستگذاری، به عنوان یکی از جدیدترین و موثرترین رویکردهای سیاستگذاری است که با تمرکز بر رفتارها و علل شکلگیری آنها، به طراحی سیاستهای عمومی می‌پردازد. این رویکرد، یک روش نو و بسیار موثر در اثربخشی تمامی حوزه‌های سیاستگذاری است. ولی با توجه به شرایط و نیازهای اصلی کشور در زمان فعلی، پیشنهاد محقق استفاده از بینشهای رفتاری و سرمایه‌گذاری نهادهای دولتی و قانونگذار در حوزه‌های زیر است:

- ✓ طراحی سیاستهای عمومی در حوزه جوانی جمعیت و افزایش فرزندآوری با بهره‌گیری از بینشهای رفتاری
- ✓ طراحی سیاستهای عمومی در حوزه تغییر الگوی مصرف (بدمصرفی و مصرف زیاد) با بهره‌گیری از بینشهای رفتاری
- ✓ طراحی سیاستهای عمومی در حوزه تقویت سرمایه‌های اجتماعی اعم از اعتماد عمومی با بهره‌گیری از بینشهای رفتاری

۱۰. منابع

- اندیشکده حکمرانی شریف. (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر سیاستگذاری رفتاری.
- رهبر، فرهاد؛ و امیری، میثم. (۱۳۹۳). اقتصاد رفتاری و سیاستگذاری عمومی. برنامه ریزی و بودجه، ۱۲۷(۱۹)، ۱۸۲-۱۴۷.
- شیرازی، حسین. (۱۴۰۰). سیاستگذاری تغییر رفتار به منظور توانمندسازی شهروندان؛ رویکردی ضروری در راستای تحقق اهداف کلان دولتی. فصلنامه علمی دولت پژوهی، ۶(۲۷).
- کفشدوز محمدی، فاطمه؛ حسینی‌نیا، غلامحسین؛ میگون‌پوری، محمدرضا؛ و وظیفه‌دوست، حسین. (۱۴۰۰). علم‌سنجی و ارائه مسیر پژوهش‌های آتی توسعه اکوسیستم کسب و کارهای استارت‌آپی. پژوهش‌نامه علم‌سنجی، ۱۴(۷)، ۷۶-۵۱.
- محمدپورمیر، حسین. (۱۳۹۶). کاربرد اقتصاد رفتاری در سیاست‌گذاری انرژی. اقتصاد شهر، ۳۴(۸)، ۳۸-۳۳.
- مدرسه حکمرانی شهید بهشتی. (۱۳۹۹). نقش علوم شناختی در امر حکمرانی.
- نقیسی؛ اشعاری؛ و طهماسبی. (۱۴۰۰). تلنگر برای ایران مطالعات موردی سیاست‌گذاری تغییر رفتار در ایران و جهان. انتشارات میلکان.
- نقیسی، علیرضا. (۱۳۹۵). درآمدی بر مدیریت سیاستهای تغییر رفتار. شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- Barak Corren, Kariv-Teitelbaum, (۲۰۲۱), *Behavioral responsive regulation: Bringing together responsive regulation and behavioral public policy*, Regulation & Governance Cambridge University Press. (۲۰۱۷). Behavioural Public Policy.
- Conly, Sarah. (۲۰۱۳). *Against autonomy: justifying coercive paternalism*. Cambridge University Press.
- Dolan, P; Hallsworth, M; Halpern, D; & Dominic, V. (۲۰۱۵). *MINDSPACE: influencing behaviour for public policy*. Institute of Government.
- Gigerenzer, Gerd. (۲۰۱۵). On the Supposed Evidence for Libertarian Paternalism. *Review of Philosophy and Psychology*, 6(۳), ۳۶۱-۳۸۳. <https://doi.org/10.1007/s13164-015-0248-1>
- Halpern, David. (۲۰۱۵). *Inside the Nudge Unit: how small changes can make a big difference*. Allen.
- Kusseven, Ayca; & Yildiz, Mete. (۲۰۲۲). Emergence & development of behavioral public policy units in government: the case of Turkey. *Asia Pacific Journal of Public Administration*, 44(۱), ۷۶-۸۰. <https://doi.org/10.1080/23227665.2021.1958353>
- Nancy, R.Lee. (۲۰۱۷). *Policymaking for Citizen Behavior Change: A Social Marketing Approach 1st Edition* (1st edition). Routledge.

- Nguyen, Dang. (۲۰۱۹). Mapping knowledge domains of non-biomedical modalities: A large-scale co-word analysis of literature ۱۹۸۷-۲۰۱۷. *Social Science & Medicine*, 233, ۱-۱۲.
<https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2019.05.044>
- Oliver, Adam. (۲۰۱۹). Towards a New Political Economy of Behavioral Public Policy. *Public Administration Review*, 79(۶), ۹۱۷-۹۲۴. <https://doi.org/10.1111/puar.13093>
- Ozdemir, Sebnem. (۲۰۱۹). Bir Kamu Politikası Aracı Olarak Davranışsal İçgörü. *Türkiye İletişim Araştırmaları Dergisi/26306220*, (۳۴), ۲۴۷-۲۷۴. <https://doi.org/10.17829/turcom.526240>
- Zahra, Abitassha Az; Nurmandi, Achmad; Tenario, Christine B.; Rahayu, Riska; Benectitos, Samantha Herector; Mina, Faye Lorraine P.; & Haictin, Ken M. (۲۰۲۱). Bibliometric Analysis of Trends in Theory-related Policy Publications. *Emerging Science Journal*, 5(۱), ۹۶-۱۱۰.
<https://doi.org/10.28991/esj-2021-01261>